



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی

موضوع:

استقلال قضایی در حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر جواد تقی زاده

استاد مشاور:

دکتر همایون مافی

نام دانشجو:

محمد مصطفی لو

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی

موضوع:

استقلال قضایی در حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر جواد تقی زاده

استاد مشاور:

دکتر همایون مافی

اساتید داور:

دکتر مرتضی نجابت خواه - استاد فرهنگ فقیه لاریجانی

نام دانشجو:

محمد مصطفی لو

شهریور ۱۳۹۱

سپاس و قدردانی

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم پدر و مادری فداکار نصیبم ساخته تا در سایه درخت پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم.

والدینی که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم چرا که این دو وجود پس از پروردگار مایه هستی ام بوده اند دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی زندگی پر از فراز و نشیب آموختند.

و آموزگارانی که برایم زندگی؛ بودن و انسان بودن را معنا کردند...

تقدیم به:

همسرم، پناه خستگی هایم که در سایه همیاری و همدلی او به این منظور نائل شدم.

چکیده

بدون تردید حق داشتن یک دادرسی عادلانه همواره جزء آرزوهای بشر است. این آرزو طی قرون متمادی تکامل و تعالی یافته است. یکی از ابزارهای اصلی در راه رسیدن و نیل به یک دادرسی عادلانه استقلال قضایی می باشد. با مروری در تاریخ مشاهده می شود که دین اسلام در حدود ۱۴۰۰ سال پیش این اصل را پذیرفته و مورد اجرا گذارده است. همچنین این اصل اکنون مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است. استقلال قضایی واجد دو جنبه ی استقلال نهادی و استقلال فردی می باشد. استقلال نهاد یا دستگاه قضایی به عدم تأثیر گذاری سایر قوا، نهادها و مقامات حکومتی بر نهاد قضایی و نیز عدم تأثیر پذیری این نهاد از قدرت های خارج از سیستم اشاره دارد. منظور از استقلال فردی نیز این است که قاضی مطابق قانون و وجدان آگاه خود و بنا بر تشخیص قضایی درست و بدون تأثیر و نفوذ مقامی حتی مقامات مافوق قضایی خود مبادرت به صدور رأی و اتخاذ تصمیم نماید. استقلال در زمینه های مالی و امور اداری و استخدامی، وحدت قضایی و مشارکت در امر قانونگذاری از تضمینات استقلال نهاد قضایی محسوب می شوند. تأمین استقلال قاضی نیز نیازمند تضمین مناسب قانونی عوامل ایجابی، نظیر: گزینش قضات، ارتقای قضات، تامین مالی قضات و مصونیت قضات (حقوقی، کیفری و شغلی) و عوامل سلبی مانند: منع عزل قضات، منع تغییر و انتقال قضات، منع جمع مشاغل و منع فعالیت سیاسی است. در کنار عوامل تأمین کننده استقلال قضایی عوامل تهدید کننده نیز وجود دارند که از نارسایی قوانین و عوامل و مشکلات عملی نشأت می گیرد. در این پایان نامه سعی شده است ضمن تبیین مفهوم استقلال قضایی به بررسی استقلال نهادی و استقلال فردی در حقوق ایران پرداخته شود و در پایان راهکارهایی نیز در راه رسیدن به یک دادرسی عادلانه پیشنهاد گردد.

واژگان کلیدی:

استقلال قضایی ، استقلال نهادی، استقلال فردی، دادرسی عادلانه، نظام حقوقی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
مبحث اول: مفهوم استقلال نهادی	۱۲
بند اول - استقلال در برابر سایر قوا، نهادها و مقامات حکومتی	۱۵
بند دوم - استقلال مالی	۱۸
بند سوم - وحدت قضایی	۱۹
مبحث دوم: مفهوم استقلال فردی	۲۱
بند اول - استقلال در برابر سایر قوا، نهادها و مقامات حکومتی	۲۳
بند دوم - استقلال در برابر مقامات مافوق قضایی	۲۵
بند سوم - استقلال در برابر طرفین دعوا و افکار عمومی	۲۶
بند چهارم - امنیت شغلی	۲۸
الف) نحوه گزینش: ۱- انتخاب ۲- انتصاب	۲۹
ب) مدت تصدی	۳۱
ج) تغییر سمت، انتقال و ارتقا	۳۱
د) عدم عزل	۳۲
ه) مصونیت و مسئولیت	۳۶
و) تامین مالی	۴۰
ز) منع جمع مشاغل و منع فعالیت سیاسی	۴۱

فصل دوم: استقلال نهادی

۴۵	مبحث اول: تبیین نهاد قضایی
۴۸	بند اول - مدیریت نهاد قضایی
۵۰	بند دوم - دیوان عال کشور
۵۱	بند سوم - دیوان عدالت اداری
۵۲	بند چهارم - محاکم عمومی
۵۳	بند پنجم - شورا های حل اختلاف
۵۵	بند ششم - سایر مراجع قضایی
۵۹	مبحث دوم: تضمینات استقلال نهادی
۵۹	بند اول - وحدت نهاد قضایی
۵۹	الف) محاکم عمومی
۶۰	ب) محاکم اختصاصی
۶۱	۱- محاکم اختصاصی تحت نظر نهاد قضایی
۶۳	۲- محاکم اختصاصی خارج از نهاد قضایی
۶۵	الف) دادگاه ویژه روحانیت
۶۷	ب) سازمان تعزیرات حکومتی
۶۹	بند دوم - استقلال مالی
۷۱	بند سوم - مشارکت در امر قانون گذاری
۷۴	بند چهارم - استقلال اداری و استخدامی
۷۶	مبحث سوم: تاثیر پذیری قوه قضاییه از سایر قوا
۷۷	بند اول - تاثیر گذاری قوه مقننه بر قوه قضاییه
۷۸	الف) صلاحیت بودجه ای

ب) حق تحقیق و تفحص	۷۹
ج) نظارت کمیسیون اصل نود قانون اساسی	۸۲
د) دیوان محاسبات	۸۴
بند دوم- تاثیر گذاری قوه مجریه بر قضایه	۸۶
الف) تنظیم بودجه	۸۷
ب) تصویب لوایح قضایی	۸۸
ج) وزیر دادگستری	۸۹

فصل سوم: استقلال فردی

مبحث اول: عوامل تامین کننده استقلال قضات	۹۳
بند اول- عوامل ایجابی	۹۳
الف) گزینش قضات	۹۴
ب) ارتقای قضات	۱۰۰
ج) تامین مالی قضات	۱۰۳
د) مصونیت قضات	۱۰۶
۱- مصونیت شغلی	۱۰۶
۲- مصونیت کیفری	۱۰۸
ه) حق تفسیر قضایی	۱۱۰
بند دوم- عوامل سلبی	۱۱۳
الف) منع عزل قضات	۱۱۴
ب) منع تغییر و انتقال قضات	۱۱۸
ج) منع جمع مشاغل	۱۲۱
د) منع فعالیت سیاسی	۱۲۲

۱۲۳	مبحث دوم: مسئولیت قضاات
۱۲۴	بند اول - تبیین انواع مسئولیت
۱۲۴	الف) مسئولیت مدنی
۱۲۶	ب) مسئولیت کیفری
۱۲۷	ج) مسئولیت انتظامی
۱۲۸	بند دوم - مسئولیت قضاات در حقوق ایران
۱۲۸	الف) مسئولیت مدنی
۱۳۵	ب) مسئولیت کیفری
۱۳۹	ج) مسئولیت انتظامی
۱۴۶	نتیجه گیری
۱۵۵	فهرست منابع

مقدمه

ضمن آگاهی از پیشینه پژوهشی موضوع مورد نظر، انجام هر کار پژوهشی نیازمند بیان مسئله و ترسیم فرضیات و اهداف مورد نظر و نیز بیان روش و حدود پژوهش می باشد. بر این اساس به بیان مسئله، پیشینه پژوهش، فرضیات پژوهش، اهداف پژوهش، روش پژوهش، حدود پژوهش و طرح پژوهش موضوع مورد نظر می پردازیم.

الف) بیان مسئله

استقلال قضایی یک اصل اساسی و مسلم است. اجرای عدالت توسط دستگاه قضایی مستلزم تضمین استقلال قضایی بطور کامل و جامع است. مسئله قضا همواره با جان، مال و آبروی دیگران در ارتباط است و برای اینکه حقی از دیگری تضییع نشود باید استقلال قضایی بطور کامل تضمین و عملاً پیاده شود. استقلال از چنان اهمیتی برخوردار است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد سند موسوم به اصول بنیادین استقلال قضایی را در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ تصویب نمود. در اصل دوم از اصول بنیادین استقلال قضایی آمده است: «تصمیم گیری در خصوص وقایع باید فقط بر مبنای دلایل صورت گیرد و وقایع نیز باید براساس قوانین قابل اجرا مورد توجه قرار گیرند. هیچ نوع دخالت، محدودیت، تطمیع، فشار و تهدیدی از سوی هیچ بخشی نباید وجود داشته باشد. همچنین دادرسان باید به روشی عمل کنند که استقلال و بی طرفی قوه قضائیه و نیز شأن مقام ایشان را تأمین کنند».

استقلال قضایی در قانون اساسی ما نیز یک اصل اساسی و بسیار دارای اهمیت است. سه اصل از اصول قانون اساسی اختصاصاً مربوط به استقلال قضایی است که در واقع دو موضوع از موضوعات مرتبط با استقلال قضایی را بیان می دارند. این موضوعات عبارتند از: استقلال دستگاه قضایی و استقلال قضات. اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آئینده این قانون اعمال

می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». این اصل به استقلال دستگاه قضایی از قوای مجریه و مقننه اشاره دارد. با توجه به این اصل قوه قضائیه قوه ای مستقل از قوای دیگر است و این نوع استقلال مربوط به مسئله تفکیک قوا است که در این اصل به صراحت پذیرفته شده است. این استقلال خاص قوه قضائیه نیست و شامل دو قوه ی دیگر نیز می شود. البته در روابط بین قوای سه گانه در جمهوری اسلامی ایران تفکیک نسبی قوا پذیرفته شده است یعنی قوا در عین حال که وظایف تخصصی خویش را انجام می دهند با هم همکاری و تعامل دارند. در این راستا اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر می دارد: «قوه قضائیه قوه ایست مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است...». یک فصل از قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص یافته است که تأمین این حقوق نیازمند استقلال قضایی است. اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر می دارد: «قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل...». این اصل به استقلال قضات مربوط می شود که با توجه به ماده ۲ قانون حدود وظایف و اختیارات رییس قوه قضائیه که برای رییس قوه قضائیه سمت قضایی قائل شده است شامل ایشان نیز می شود. استقلال قاضی یک اصل اساسی و مهم بشمار می آید چرا که استقلال قضات نیز برای دفاع از عدالت ضروری است. قاضی باید بتواند بر اساس استنباط خویش و بدون دخالت دیگر قوا و حتی مقامات مافوق خود در سیستم قضایی مبادرت به صدور رأی نماید. در مجموع ارائه تحلیل صحیح از استقلال قضایی و جایگاه آن در حقوق ایران مستلزم پاسخگویی به این سوالات می باشد: ۱- استقلال قضایی به چه معناست؟ ۲- آیا استقلال دستگاه قضایی در حقوق ایران تأمین شده است؟ ۳- آیا استقلال قضات در حقوق ایران تأمین شده است؟

ب) پیشینه پژوهش

در ارتباط با این موضوع در چندین کتاب و مقاله بصورت مختصر و پراکنده بحث شده است که در این راستا می توان از کتاب «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» تألیف دکتر سید محمد هاشمی، کتاب «مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» تألیف دکتر حسین مهرپور، کتاب «مسائل حقوق اساسی» تألیف دکتر جعفر بوشهری، کتاب «گفتارهایی در حقوق اساسی کاربردی» تألیف آیت الله هاشم هاشم زاده هریسی، کتاب «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران» تألیف دکتر سید جلال الدین مدنی، مقاله «استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانونگذاری» تألیف علی دهقانی و مقاله «بررسی دگرگونیهای اصل استقلال قاضی در دادرسی نظامی ایران» تألیف جعفر صادق منش نام برد. در تمامی این کتب و مقالات به مسئله استقلال قضایی بصورت مختصر و پراکنده اشاره شده است. مثلاً در کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران تألیف استاد سید محمد هاشمی صفحات ۳۶۹ الی ۳۷۳ ابتدا به لزوم استقلال قوه قضاییه اشاره شده و سپس استقلال قوه قضاییه را در دو بعد استقلال تشکیلاتی و استقلال رفتاری بررسی کرده است. در بعد تشکیلاتی به اصل ۵۷ قانون اساسی اشاره کرده و بحث تفکیک قوا را مطرح نموده و در بعد استقلال رفتاری به استقلال شخص قاضی اشاره کرده است و می نویسد: «اصل بی طرفی قاضی از لوازم اجتناب ناپذیر امروز قضا بشمار می رود». در کتاب مسائل حقوق اساسی تألیف دکتر جعفر بوشهری صفحه ۱۱۶ آمده است: «استقلال قضایی جنبه های گوناگون دارد و مقصود اینست که قاضی بدون نگرانی و هراس از تلافی و انتقام جویی قوه ی مجریه یا مؤسسات صاحب نفوذ یا شرکتهای ثروتمند یا اتحادیه های مقتدر کارگری و صنفی یا گروه های خرابکار وظایف خود را انجام دهد ... استقلال قضایی به معنای جدا شدن قاضی از جامعه نیست». و همچنین در صفحه ۸۳ مقاله «استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانونگذاری» تألیف آقای دهقانی آمده است: «استقلال قاضی مستلزم آنست که گزینش، استخدام و ارتقاء قاضی در راستای حفظ استقلال وی بوده و قاضی در مقام ادای وظایف واگذار شده امنیت شغلی کاملی داشته باشد...». همچنین در ارتباط با این موضوع چندین پایان نامه نیز ارائه شده

است، اما تفاوتی که این پژوهش با موارد دیگر دارد اینست که در این پژوهش سعی شده است استقلال قضایی بصورت جامع و کامل مورد بررسی قرار بگیرد.

ج) فرضیات پژوهش

۱- استقلال قضایی به معنای استقلال دستگاه قضایی و استقلال قاضی است.

۲- استقلال دستگاه قضایی در حقوق ایران تأمین شده است.

۳- استقلال قضات در حقوق ایران تأمین نشده است.

د) اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش نشان دادن اهمیت استقلال قضایی است و اینکه تا چه اندازه در قانونگذاری ایران از انقلاب مشروطه تاکنون تأمین شده است. این تحقیق می تواند مورد استفاده قانونگذار در مقام قانونگذاری و قضات در مقام دادرسی قرار گیرد.

ه) روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

و) حدود پژوهش

نقد و بررسی قوانین مرتبط با استقلال قضایی در حقوق ایران از مشروطه تاکنون.

ز) طرح پژوهش

این پایان نامه در سه فصل سازماندهی شده است. فصل اول مفهوم استقلال قضایی را مورد بررسی قرار می دهد. پس از ارائه مفهوم استقلال قضایی و جنبه های نهادی و فردی آن در فصل دوم ضمن تبیین نهاد قضایی در حقوق ایران تضمینات استقلال نهادی و تأثیر پذیری نهاد قضایی از سایر قوا مورد بررسی قرار

می گیرد. در فصل سوم نیز به استقلال قضات و عوامل تأمین کننده و تهدید کننده استقلال قاضی و نیز مسئولیت قضات پرداخته می شود.

فصل اول:

مفهوم استقلال قضایی

فصل اول: مفهوم استقلال قضایی

عبارت «استقلال قضایی» از دو واژه کلیدی تشکیل می شود: استقلال و قضا. لذا ابتدا به مفهوم این دو واژه پرداخته می شود و سپس عبارت تعریف خواهد شد.

استقلال معادل واژه «independence» به کار می رود و اولین معنایی که از آن به ذهن می رسد، بی نیازی و عدم وابستگی به دیگری است. در همه ی امور (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی)، وقتی کشور، نهاد یا فردی نیازمند و وابسته به دیگری نباشد گفته می شود دارای استقلال است.

در کتب لغوی معانی نسبتاً مشابهی از این واژه ذکر گردیده است. در فرهنگ لغت معین، ذیل واژه استقلال آمده است: " برداشتن و بلند کردن، ضابط امر خویش بودن، به خودی به کاری ایستادن بی شرکت گیری، صاحب اختیار و آزادی کامل یک کشور، دولت و ملت در امور سیاسی و اقتصادی بدون اعمال نفوذ خارجی " (معین، ۱۳۷۱: ص ۲۶۸۶). همچنین در لغت نامه دهخدا آمده است: ضابط امر خویش بودن، به خودی خود به کار ایستادن (دهخدا، ۱۳۳۰: ص ۳۳۶).

استقلال از مفاهیم اضافی است، به این معنی که تصور آن همواره متضمن سنجش میان دو چیز و یا چند چیز است. هرگاه بگوییم فلان شخص، ارگان یا دولت مستقل است، این معنی در درون خود مستلزم تصور وجود هویت های مشابه دیگری است که مصونیت از نفوذ و کنترل آنها برای شخص، ارگان یا دولت مورد نظر به استقلال وصف می شود (امیری، ۱۳۹۰: ص ۱۵).

قضا هم به فتح قاف در لغت به معنی فرمان دادن، حکم کردن، فتوا دادن، رأی دادن، به حاجت کسی رسیدن و روا کردن، آگاهانیدن و پند دادن می باشد (دهخدا، ۱۳۳۰: ص ۳۳۵). در قرآن مجید لفظ قضا بر معنای متعددی اطلاق گردیده است (سنگلجی، ۱۳۴۷: صص ۸-۵) که به شرح ذیل می باشد:

۱- اراده نمودن، مانند آیه شریفه: «و اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون» (سوره مبارکه بقره آیه ۱۱۷): و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر می کند می گوید: موجود باش و او فوراً موجود میشود).

۲- امر کردن، مانند آیه شریفه: «و قضی ربک ان لاتعبد الا اياه» (سوره مبارکه اسری آیه ۲۳): پروردگارت فرمان داده که جز او چیزی را نپرستید).

۳- حکم کردن، مانند آیه شریفه: «ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت» (سوره مبارکه نساء آیه ۶۵): ...هیچگونه اعتراضی در دل نداشته و کاملاً از دل و جان تسلیم حکم تو باشند).

۴- خلق کردن و آفریدن، مانند آیه شریفه: «ففضهن سبع سموات فی یومین» (سوره مبارکه فصلت آیه ۱۲): آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید).

۵- فعل و انجام دادن کاری، مانند آیه شریفه: «فاقض ما انت قاض» (سوره مبارکه طه آیه ۷۲): هر فعلی که می خواهی بکن).

۶- اعلام کردن، مانند آیه شریفه: «و قضینا الیه ذلک الامر» (سوره مبارکه حجر آیه ۶۶): ما به لوط چگونگی این امر را اعلام کردیم).

اگر چه در قرآن کریم معانی زیادی از قضاوت بکار برده شده است، اما معنی اصلی و مشهور آن در میان حقوقدانان اسلامی همان حکم کردن و دادرسی می باشد.

حضرت امام خمینی(ره) در کتاب تحریر الوسیله در تعریف قضاوت می فرماید: «و هو الحکم بین الناس للرفع التنازع بینهم بالشرايط الآتیه» یعنی قضاوت، حکم بین مردم است جهت رفع تنازع بین آنان با شرایطی که می آید (خمینی، ۱۳۸۶: ص ۸۰).

قضاوت و دادرسی در نگاه حقوقدانان مسلمان پس از ایمان به خدا از واجبات و برترین پرستشها دانسته شده است و در متون ارزشمند اسلامی در خصوص قضاوت و اهمیت آن مطالب بسیار زیادی موجود

می‌باشد که نشانگر جایگاه ویژه این منصب الهی است. در قرآن کریم آیات بی شماری در مورد عظمت منصب قضاوت وجود دارد که اکثر آنها دلالت صریح دارد که این مقام والا را خداوند متعال به پیغمبران و اوصیاء معصومین آنان علیه السلام عطا فرموده است. خداوند متعال می‌فرماید: «ای داوود ما تو را در روی زمین مقام خلافت قرار دادیم تا میان خلق خدا حکم کنی و هرگز از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد» (سوره مبارکه ص آیه ۲۶): «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب». حضرت علی (ع) پس از گماردن شریح حادث کندی به داوری چنین فرمود: «یا شریح هذا مجلس لا یجلسه الا نبی او وصی او شقی» یعنی، ای شریح قضاوت جایگاهی است که کسی در آن نمی‌نشیند، مگر آنکه یا پیامبر باشد یا وصی پیامبر یا شقی. اسلام بارزترین ارزش و اهمیت را برای مسأله قضاوت در جهت تأمین حقوق مردم و استقرار عدالت اجتماعی قایل شده است و آنرا امانت بزرگی تلقی کرده است. بر این اساس قرآن کریم می‌فرماید: «خدا به شما امر می‌کند که امانات را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شدید به عدالت داوری کنید» (سوره مبارکه نساء آیه ۶۵): و ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل). استقرار عدالت هم به مفهوم وسیع آن از مهمترین اهداف پیامبران است. خداوند متعال می‌فرماید: «همانا ما پیامبران خود را با ادله به خلق فرستادیم و برایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند» (سوره مبارکه حدید آیه ۲۵): لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط).

طبع کار قضا به گونه ای است که امکان جلب رضایت تمامی افراد برای قاضی میسر نیست و در بیشتر موارد یک طرف و در بعضی موارد هر دو طرف دعوا از تصمیم قاضی ناراحت می‌شوند و با وارد ساختن انواع فشارها سعی بر تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری در جهت دلخواه خود را دارند. استقلال قضایی، مانع مستحکمی است که می‌تواند فشارها را بی‌اثر و تلاش‌ها برای اعمال نفوذ را خنثی سازد. منظور از استقلال قضایی عدم جواز دخالت و تأثیرگذاری از جانب دیگران بر قوه قضاییه در معنای عام و قضات در معنای

خاص، در صدور آرای قضایی و آزادی امر قضا از هر گونه مداخله و فشار و گردن نهادن همه به احکام صادر شده است. این ممنوعیت دخالت و تأثیر گذاری قوای مجریه، مقننه و مدیران قوه قضاییه و کلیه افراد ذینفع در دعوا و حتی رسانه های جمعی را شامل می شود (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: صص ۲۴-۲۵). آنچه که اشاره به آن ضرورت دارد این است که استقلال قضایی خود به تنهایی هدف نیست، بلکه وسیله ای برای رسیدن به اهداف والایی چون اقامه عدل، تضمین حاکمیت قانون، تضمین حقوق بشر و جلب اعتماد عمومی می باشد. همچنین استقلال قضایی به معنای عدم پاسخگویی نیز نمی باشد چراکه داشتن اختیارات بدون پاسخگویی نتیجه ای جز استبداد ندارد. استقلال قضایی نباید تبدیل به دسیسه و روپوشی برای سوء استفاده گردد. پاسخگویی از ویژگی های کشورهای مردم سالار می باشد و اگر بر اساس قوانین شفاف نظام پاسخگویی در کشور حاکم شود این امر منجر به ارائه راهکارهایی در جهت ارتقای امور خواهد شد.

سازمان ملل متحد در اسناد مختلف، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و مصوبه مربوط به اصول اساسی استقلال قضایی به این مقوله توجه کرده و تمامی کشورهای عضو را به وضع قوانینی در راستای تضمین استقلال قضایی سفارش کرده است. با وجود این در اسناد بین المللی تعریفی از استقلال قضایی ارائه نشده است (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: صص ۲۵).

یکی از اصول اساسی دادرسی در اسلام اصل استقلال قضایی است که به عنوان زیر بنای عدالت بشمار می رود. شرایط، صفات، احکام و مقررات و ضوابطی که دین مبین اسلام برای متصدی امر قضاوت واجب و لازم دانسته است مقدمه ای برای بیان اصل مذکور می باشد. اصولاً استقلال سیستم قضایی در اسلام از استقلال قاضی سر چشمه می گیرد (هاشم زاده هریسی، ۱۳۸۴: صص ۵۷).

در قرآن کریم آیات زیادی نظیر آیات ۵۸، ۱۰۵ و ۱۳۵ سوره نساء و همچنین آیه ۴۱ سوره مائده در مورد استقلال قضایی وجود دارد که بیانگر اهمیت دادن به این اصل حیاتی است. خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء قضات را مورد خطاب قرار می دهد: «ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند به ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد برای هر کس شهادت می دهید چه فقیر باشد چه غنی